

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

آذر درخشان

۱۰/۰۸/۱۸

حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی زنی در مرکز کشمکش سیاست های داخلی و بین المللی جمهوری زن ستیز اسلامی

سکینه محمدی آشتیانی ۴ سال پیش به جرم همکاری در قتل همسرش محکوم به قصاص شد. اما توسط خانواده "اولیای دم" بخشیده شد. همچنین به دلیل رابطه "نامشروع" محکوم به ۹۹ ضربه تازیانه شد. دو مرد متهم هر یک به ۴۰ و ۲۰ ضربه تازیانه - سکینه در کنار این تازیانه ها به ده سال حبس نیز محکوم شد. اما چند ماه پس از مختومه شدن پرونده وی قوه قضائیه با دست و پا کردن پرونده ای جداگانه او را به اتهام "زنای محصنه" برای بار دوم محاکمه و این بار محکوم به سنگسار کرد. (البته این بار هیچ زانی وجود ندارد و فقط پرونده یک زانیه دارد که سکینه است). پس از اعتراضات گسترده بین المللی به این مجازات، قوه قضائیه با لغو حکم سنگسار سکینه مجازات اعدام او را اعلام کرد.

از زمانی که ماجرای سنگسار سکینه توسط وکیلش مصطفائی به خارج از مرزهای ایران کشانده شد، سرنوشت سکینه کاملاً ابعادی سیاسی - آن هم در سطح بین المللی - بخود گرفت. به جرأت می توان گفت که طی دو هفته اخیر تقریباً اعتراض به سنگسار سکینه جای خود را به خبر "تحریم ایران" و یا مسأله مذاکرات با ایران بر سر "غنی سازی اورانیوم" داد. با این تفاوت که این خبر نه فقط در رسانه های بزرگ اروپائی مانند گاردین، لیبراسیون و ... طرح شد بلکه علی رغم تعطیلات تابستانی در غرب توجه افکار عمومی را نیز بشدت به خود جلب کرده است.

بسیاری از سران دولت های غربی از هیلاری کیلینتون وزیر امور خارجه آمریکا گرفته تا انجلا مرکل صدر اعظم آلمان به حکم سنگسار سکینه آشتیانی اعتراض کرده اند و آن را نشانه وخیم بودن وضعیت حقوق بشر در ایران برشمردند. پاسخ دولت ایران به این درخواستها و اعتراضات بیش از پیش نشان می دهد که مسأله دیگر صرفاً جان سکینه نیست بلکه سکینه به نمادی از کشمکش بر سر "اورانیوم غنی شده"، "سه جوان آمریکائی به گروگان گرفته شده"، "تصادمات و تخاصمات ایران و غرب در خاورمیانه" میان دولت احمدی نژاد و دول غربی شده

است. از سوی دیگر سکینه گروگان انتقام گیری از همه زنان و دخترانی شده است که طی یک سال گذشته در صف اول مبارزات جرات کردند ارزشهای کهنه و پوسیده نظام زن ستیز جمهوری اسلامی را زیر سؤال برند.

در چهارشنبه شب ۲۰ مرداد[اسد]، نمایش تلویزیونی اعترافات این زن ستمدیده در صدا و سیمای جمهوری اسلامی در واقع اعترافی علنی از جانب رژیم جمهوری اسلامی بود که می خواهد زندگی و سرنوشت سکینه را به ابزاری برای اعمال قدرت در درون کشور و هم چنین وسیله ای برای باج گیری و چانه زنی و تنظیم روابط سیاسی با دول غربی کند. در آغاز شوی اعتراف گیری مسؤول برنامه اعلام می کند:

"موضوع این گزارش جنجال و هیاهوی رسانه های غربی در مورد یک پرونده جنائی در ایران است. "اگر قرار بر جنجال و هیاهو است رژیم جمهوری اسلامی سی و یک سال تجربه هیاهوگری و فضا سازی و دروغ گوئی دارد. هر کلمه ای که از دهان سکینه (اگر واقعا خود وی باشد) به عنوان اعتراف بیرون می آمد نشان از استیصال و ذلیلی نظامی است که تصور می کند می تواند مردم را اینگونه مرعوب کند.

با این حال برای فهم این نمایش تلویزیونی و هم چنین پرونده سازی قوه قضائی برای زن بی پناه و ستمدیده ای چون سکینه باید پرده های پشت این ماجرا را یکی پس از دیگری کنار زد.

یکی از مهمترین ستونهای روابط قدرت در جامعه طبقاتی، رابطه قدرت بین زن و مرد است. از زمان استقرار جمهوری اسلامی فرو دستی و سلب حقوق زنان همراه با دادن امتیازاتی به مردان، سلسله مراتبی در جامعه شکل گرفت که تاثیر مهمی بر دیگر روابط اجتماعی داشت. فرمان حجاب اجباری، اعمال قوانین قرون وسطائی دیه و قصاص و سنگسار همه برای تحمیل این فرودستی در درجه نخست به خود زنان و سپس به کل جامعه بود. مهم نیست که حجاب اجباری شامل اکثریتی از زنان است و سنگسار یا قصاص و دیه شامل تعداد کمتری از زنان جامعه؛ همه آنها مظاهر قانونی و فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیکی فرودستی و بی حقوقی زن هستند که یکدیگر را تکمیل می کنند. حذف هر یک از این حلقه های ستم، تضعیف مجموعه است. به همین دلیل هم مشاهده می کنیم که دولتمردان جمهوری اسلامی طی بیش از سه دهه علی رغم اعتراضات گسترده جهانی حاضر به لغو این احکام قرون وسطائی نشدند.

از سوی دیگر سرکوب زنان، فقط مربوط به انسجام بخشیدن روابط قدرت و حفظ نظام اسلامی در داخل کشور نیست. نظام جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود ادعای تشکیل امت اسلام و صدور انقلاب اسلامی را داشته است. اعمال اتوریته جمهوری اسلامی بر جنبش های بنیادگرا در خاورمیانه فقط رابطه سیاسی - مالی - نظامی نیست بلکه هم چنین رابطه ای ایدئولوژیک است. برای این جنبش ها ایران الگوی حکومت اسلامی است. حکومتی که پرچمش حجاب زنان است. به همین دلیل سرکوب زنان علاوه بر مصرف داخلی نقش مهمی در حفظ رابطه دولت جمهوری اسلامی با جنبش های بنیادگرای اسلامی در منطقه دارد. جلب حمایت و پشتیبانی جریانات بنیادگرای اسلامی در منطقه وسیله ای برای چانه زنی ایران بر سر میز مذاکره و امتیاز گیری از دول غربی است که خاورمیانه مرکز تاخت و تازشان است.

بنابراین مشاهده می کنیم که بدن زن از همان ابتداء مرکز کشمکشی بود برای استقرار و تحکیم قدرت روحانیون بر ایران و شکل گیری حکومت اسلامی و هم چنین وسیله ای برای تنظیم روابط قدرت این حکومت با جریانات بنیادگرای اسلامی در منطقه و کل نظام سرمایه داری امپریالیستی حاکم بر جهان.

در این میان، بحران مناسبات رژیم جمهوری اسلامی با دول غربی دوباره اوج گرفته است. این بحران پس از عدم توافق ایران با متوقف کردن غنی سازی اورانیوم به مرحله حساسی رسیده است. از یکسو تحریم اقتصادی - سیاسی

ایران و از سوی دیگر جهت گیری دول غربی با جریان موسوم به سبز و هم چنین ماجرای گروگانگیری سه آمریکائی توسط دولت ایران این بحران را پیچیده تر کرده است. دول غربی از امریکا گرفته تا دولت های اروپائی سالهاست در پی تغییرات مورد نظر در ایران هستند، چرا که تاخت و تازشان در خاورمیانه و به خاک و خون کشیدن مردم این منطقه و ویران کردن همه سامانه های اجتماعی بدون همراهی تام و تمام رژیم ایران ممکن نیست. به نظر می رسد این دولتها امروز تصمیم به جایگزینی اسلام معتدل با اسلام به قول خودشان تند رو درکشورهای خاورمیانه کرده اند.

از طرف دیگر مرتجعین جمهوری اسلامی به خوبی می دانند که مسأله برای دول غربی جان سکینه نیست بلکه بده بستان های دیگری در کار است. برای همین وقیحانه صحبت از اعدام سکینه می کنند و برای این کارزار رسانه ای بین المللی تره هم خرد نمی کنند. مگر نه اینکه طی چند ماه گذشته ۵ تن زندانی کرد را اعدام کردند و اعتراضی از این دولتمردان غربی شنیده نشد. البته دولتمردان جمهوری اسلامی سعی کردند به کارزار غربی ها در مورد سکینه به عنوان نعمت الهی نگاه کرده و بحران کلی تر خود را که بحران مشروعیت کل این رژیم در نزد مردم ایران است را رفع و رجوع کند.

آزادی زن معیار آزادی جامعه است و البته معیار سنجش ادعای آزادیخواهی نیز چگونگی برخورد به مظاهر بی حقوقی و ستم بر زن است. حکم سنگسار سکینه موجی از اعتراضات را در میان وجدان های بیدار، مردم آزادیخواه و مترقی و هم چنین جریانات چپ و کمونیست، فعالان و تشکلات زنان برانگیخته است. هر نیرو و فردی به طریقی تلاش دارد نه فقط مانع سنگسار سکینه شده بلکه هرچه زودتر وی را از سیاهچال زندان زنان تبریز نیز آزاد کند. در این میان رسانه های گوناگون نیز چه وابسته به قدرت های بزرگ و چه مستقل بنابر اهداف سیاسی خود مرتبا به دادن خبر از وضعیت سکینه محمدی پرداخته اند.

دیدگاه نواندیشان دینی و فعالان اصلاح طلب سبز در مورد حکم سنگسار

اما جریان سبز و سخنگویان ریز و درشتش که امروز مدعی دموکراسی هستند و اخیرا - درست يك هفته قبل از شوی تلویزیونی اعتراف سکینه - سومین نشست خود را با حضور زهرا رهنورد تحت عنوان "سومین نشست همگرایی سبز جنبش زنان به مناسبت سالگرد مشروطیت" برگزار کردند. زبان در کام فرو بستند. خانم های شرکت کننده در این نشست، ضمن ابراز دل نگرانی برای زندانیان سیاسی مرد که اعتصاب غذا کرده اند پيامی از جانب این نشست را به این زندانیان ارسال کردند اما دریغ از یک کلام در مورد سکینه و سنگسار او (۱) با اینکه خانم زهرا رهنورد سخن از "قرائت دموکراتیک از قوانین اسلامی" می زند اما تا این لحظه در مورد قرائت "دموکراتیک" خود از قانون زنا و مجازات سنگسار که در هفته های اخیر بحث روز جامعه ایران و افکار بین المللی است، لب به سخن نگشوده است.

سایت "تربون فمینیستی" به عنوان سایتی که دیدگاههای "همگرایان سبز زنان" را منعکس می کند در خصوص حکم سنگسار سکینه اقدام به درج نظرات زنان فعال جریان سبز که عمدتا زنان اصلاح طلب هستند و هم چنین تهیه گفتگو ویدیویی با برخی وکلا و قاضیان دادگستری و قرآن پژوه کرده است. "همگرایان سبز" تلاش دارند موضوع سنگسار را در چارچوب قرائت های نو از احکام الهی و متناسب با عرف جامعه پاسخ دهند. در این گفتگوی ویدیویی، ژیل شریعت پناهی به عنوان قرآن پژوه تلاش می کند با اتکاء به برخی آیه های قرآن ثابت کند که

مجازات سنگسار برای زنا در قرآن وجود ندارد بلکه حداکثر این مجازات صد ضربه تازیانه است. وی معتقد است که بر پایه روایان احادیث نمی توان حکم فقهی سنگین صادر کرد. (۲)

این در حالی است که جملیه کدیور معتقد است "منابع استنباط احکام دین منحصر به قرآن نمی باشد، بلکه علاوه بر قرآن و حکم قطعی عقل، روایات معتبر منقول از معصومین (ع) نیز جزو منابع احکام شرعی می باشند." (۳) و هم چنین "بر اساس احادیث و روایات موجود تردیدی نیست که حکم سنگسار هم در زمان پیامبر اجراء می شده و هم در زمان حکومت خلفاء و هم توسط امامان شیعه. در احادیث تمام فرقه های اسلامی نیز در مورد سنگسار بسیار صحبت شده است." (۴)

او نیز در پی گزینه های مناسب برای سنگسار است و معتقد است "با توجه به دامنه گسترده و متنوع آراء ذکر شده و بازخوردهای اجرای حکم سنگسار در شرایط حاضر، به نظر می رسد می شود به جای حکم اولیه سنگسار، احکام ثانویه جایگزین، همچون جلد، تعزیر و مجازات حبس مورد اجرا قرار گیرد." و یا "اجرای احکام جایگزین خفیف تر همچون اجرای حد جلد، تعزیر و حبس، و تدوین آئین دادرسی خاص می توانند به عنوان راهکارهای مناسبی مد نظر قرار داد." (۵)

فریده ماشینی نیز از حزب مشارکت و هم چنین عضو "همگرایی سبز زنان" در بازخوانی آیات قرآن به این نتیجه می رسد که "آخرین مجازات رابطه نامشروع جنسی (زنا) در قرآن کریم ۱۰۰ ضربه تازیانه عنوان شده و هیچ اشاره ای به مجازات سنگسار در قرآن وجود ندارد بلکه دلایلی خلاف این مجازات وجود دارد." (۶)

نظرات این زنان اصلاح طلب نشان می دهد که اغلب آنان موافق مجازات اتهام "زنا" هستند اما در مورد نوع مجازات آن یعنی سنگسار معتقدند که صد ضربه تازیانه جایگزین مناسبی برای سنگسار در اوضاع کنونی است. البته آیات عظامی که برخی فعالان جنبش زنان مانند کمپین یک ملیون امضاء و امروز زنان "همگرایان سبز" مشروعیت مطالباتشان را با فتوای آنان اندازه گیری می کنند با دلایل گوناگونی مخالف حکم سنگسار در شرایط کنونی هستند.

آیت اله منتظری معتقد است "بنابراین با فرض اینکه اجرای حدی از حدود موجب بدبینی عده زیادی از مردم دنیا به اسلام و یا وهن مذهب باشد، باید آن حد موقتاً و تا زمان روشن شدن اذهان و تبیین فلسفه تشریع حد متوقف گردد." (۷) (منتظری، ۲۱ دی ۸۴)

آیت الله صانعی می گوید "در این مورد یا باید آئین دادرسی خاص رعایت گردد و اقرار وجدانی و شهادت کامل ۴ نفر تحت شرایط سختی لحاظ شود و یا اینکه بنا بر فتوای میرزای قمی اجرای حکم را منوط به ظهور امام معصوم کنیم و به هر حال علم قاضی در این زمینه ملاک نیست." (۸) (۲۴/۵/۸۶ سایت آیت الله صانعی)

آیت الله محقق داماد نیز بر این باور است که "علمای بزرگ قرن حاضر مانند حضرت آیت الله خوانساری اجازه نمی دادند که این حدود به جز زمان امام معصوم اجراء شود." (محقق داماد، روزنامه شرق، ۸۳/۷/۲۹) وی هم چنین معتقد است "تردیدی نیست که عقل نیز حکم می کند که بشر در بستر عرف جامعه حرکت کند. احکام نیز از این قاعده مستثنی نیستند. شاید در زمانی عرف یک جامعه سنگسار را برای مبارزه با بی عفتی بپسندد، ولی در زمانه ای دیگر بتوان با شیوه هایی بهتر با این مفاسد برخورد و مبارزه کرد" (۹)

از گفته این آیات عظام هم بر می آید که عمدتاً اتهام "زنا" را به عنوان بی عفتی و مفاسد دانسته که باید شامل مجازات شود. اما به دلیل مصلحت اسلام و عرف جامعه معتقدند موقتاً سنگسار متوقف شود و اجرای آن را منوط

به ظهور امام معصوم (زمان) و یا قانع کردن و روشن کردن اذهان جامعه بر سر این مجازات و نهایتاً یافتن گزینه مناسب و مد روزتری موکول می کنند.

به نظر می آید زنان نواندیش دینی و مراجع تقلیدشان در چنبره تفکر بنیادگرایی و اسلام انقلابی دهه ۶۰ خود فسیل شده اند و نمی توانند از این موضوع ساده که اصولاً باور به اتهامی به نام "زنا" و یا روابط جنسی نامشروع و یا روشنتر روابط جنسی زن و مرد خارج از مقررات "اسلامی" و خانواده در هزاره سوم، باوری کهنه، منسوخ و متعلق به عصر جاهلیت بشر است، دست بردارند. و از بد روزگار این باور و اعتقاد را با هیچ ترفندی نمی توان به روز کرد، زیرا قبل از هر چیز خود اتهام "زنا" ست که باید به زیاله دان تاریخ سپرده شود.

اینکه زنان اصلاح طلب به ویژه آنانی که خود را رهبران و یا فعالان جنبش سبز می دانند و ادعای برابری حقوق زن و مرد را می کنند، دنبال گزینه مناسب برای سنگسار هستند و پیشنهاد حکم "صد ضربه تازیانه" می کنند، دور از انتظار نیست. اما بدون شک مایه شرم و ننگ زنان "سکولار"ی است که تلاش می کنند جنبش برابری طلبی زنان ایران را به نام اینان ثبت کنند. (۱۰)

شاید برای زنان اسلامی مخالفت با حکم سنگسار و جایگزینی آن با "صد ضربه تازیانه" پیشرفت باشد، زنانی که در دهه ۶۰ خواهران حزب الله بودند و در دهه ۷۰ دنبال اثبات رهائی بخشی اسلام برای زنان بودند و نهایت درک شان از برابری زن و مرد این بود که چرا زنان تا شانه در گودال سنگسار هستند و مردان تا کمر و خواهان حذف این نابرابری بودند. و البته عقب گرد و شرم برای برخی زنان آکادمیک در دانشگاههای غربی که ضمن شور و شعف این را نشانه های بروز پدیده "فمینیست اسلامی" دانسته که در پی کشف راه حل های "بومی" برای برابری حقوقی زنان هستند.

مسأله سنگسار سکینه و اعتراض گسترده جهانی علیه این حکم نشان داد که بخش بزرگی از افکار عمومی جهان مخالف این عمل وحشیانه است. در میان ایرانیان داخل و خارج کشور نیز شاهد اعتراضات گسترده ای هستیم. اما هنوز این پایان پرده سنگسار نیست. چرا که هنوز بین مخالفت با حکم سنگسار به عنوان یک عمل وحشیانه و هم چنین مخالفت با جرم "زنا" به عنوان اتهامی جاهلانه فاصله است.

وکلائی سکینه به درستی تلاش دارند مسأله اتهام "زنا" محصنه را در پرونده سکینه محمدی پاک کنند و اینکه این اتهام ثابت نشده است.

اما بین اعتراض وکلا در چارچوب قوانین یک کشور و اعتراض عمومی علیه این اتهام و مجازات آن تفاوت است. مثلاً در برخی مطالب که در اعتراض به حکم سنگسار سکینه نوشته شده است می خوانیم که او را به اتهام واهی "زنا" محصنه محکوم به سنگسار کرده اند و یا اینکه تلاش دارند نشان دهند که او مرتکب این اتهام نشده است یا در پرونده او شبهات است (۱۱) سؤالی که مطرح می شود این است که اگر این به اصطلاح حکم واهی نباشد و یا اثبات شود که این عمل انجام شده است، در آن صورت مجازات این "اتهام" حتی در سطح صد ضربه تازیانه و نه سنگسار عادلانه است؟ با چنین گفتگوهایی نه جنبش زنان و نه نیروهای آزادیخواه و مترقی نمی توانند موضوع "سنگسار" را به عنوان جزئی از مجموعه قوانین زن ستیز برگرفته از احکام الهی به مصاف بطلبند.

ما باید تلاش خود را برای نجات جان سکینه ادامه دهیم و دست به کارزارهای گسترده علیه قوه قضائی و حکم سنگسار بزنیم. اما هریک از این مبارزات علیه مظاهر خاص سرکوب زنان می تواند و باید زمینه ای برای مبارزه جهت برچیدن این قوانین و نظام های متکی بر این قوانین شود، می تواند و باید زمینه ای برای ارتقاء و تعمیق آگاهی زنان و کل جامعه شود، میتواند و باید به فرصتی جهت مقابله با فصل مشترک باورها و ارزش های رایج

میان مردم با ارزش ها و ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی باشد. مبارزات ما علیه همه این بی حقوقی و بی عدالتی ها در حق زنان می تواند سنگرش های مسیر تحقق جامعه ای شود که اکثریت زنان ستمدیده در اشتیاق دست یابی آن به سر می برند. مبارزه و فداکاری ما تک تک زنان باید صرف جامعه ای شود که هیچ زنی مجبور نشود تن به ازدواج اجباری دهد، هیچ زنی مجبور نباشد بسوزد و بسازد و حق طلاق و حق سرپرستی فرزندان پس از طلاق را نداشته باشد، جامعه ای که عقد ازدواج قراردادی برای تملک جسم و روح زن نباشد و هیچ زنی به جرم ابطال این قرارداد به هر دلیلی مورد هیچگونه مجازاتی قرار نگیرد. بلکه زنان از آن چنان امنیت اقتصادی سیاسی فرهنگی اجتماعی برخوردار باشند که بتوانند داوطلبانه همزی خود را انتخاب کنند و در کمال آزادی و برابری و به راحتی اتحاد خود را در صورت ناموفق بودن فسخ کنند. باید ضمن مبارزه برای نجات جان سکینه به ملیونها سکینه در سراسر جهان، هم چون عایشه و عاطفه و اندیشید و گفت دیگر بس است جهان تحمل چنین بربریتی را ندارد. چنین آینده ای را می توان ساخت چرا که بشر در انقلابات سوسیالیستی قرن بیستم چنین مناسباتی را تجربه کرده است. در دولت سوسیالیستی شوروی، طی چند دهه زنان قوانینی را تجربه کردند که هنوز پیشرفته ترین کشورهای غرب به آن نرسیده بودند (12). در چین کشوری که تا قبل از انقلاب سوسیالیستی زنان عملاً برده بودند و پای شان را می بستند و ناقص می کردند، تا حرکاتشان برای مردان موزون و زیبا به نظر آید، جرأت کردند زنجیرهای ستم را پاره کنند و در مدت کوتاهی به برابری حقوقی دست یابند و تا زمانی که انقلابشان در سال ۱۹۷۶ به شکست نینجامید به مدت چند دهه روابط اجتماعی پیشرفته ای میان زن و مرد را تجربه کردند که نمونه ای از آزادی و برابری واقعی میان زن و مرد بوده است. گرچه حتی آن دوران نیز تا رهایی کامل فاصله داشت و به مثابه اولین تجربه های دولت سوسیالیستی در زمینه زنان دچار برخی ضعفها و کمبودها بود اما تنها با تکیه به درسهای آن تجارب است که می توان راه رهایی زنان را هموار ساخت.

ما زنان میتوانم و باید پیشگام ساختن سوسیالیسمی باشیم که مهمترین مشخصه اش نه فقط برجیدن ستم جنسیتی بلکه جهتگیری اش سرنگونی کلیه تمایزات طبقاتی و اجتماعی و کلیه افکار و سنی باشد که طی چند هزاره بستر ستم و استعمار زنان در سراسر جهان بوده است.

منابع:

- 1- سایت مدرسه فمینیستی: سومین نشست همگرایی سبز جنبش زنان به مناسبت سالگرد مشروطیت به روایت تصویر: از آسیب شناسی مشروطه تا اعتصاب غذای ۱۷ زندانی سیاسی - گزارش: آمنه کرمی / عکس ها: شیرین بهرامی - ۱۴ مرداد ۱۳۸۹
 - 2- سنگسار، ایران، اسلام و حقوق بشر - "ویدئو گزارش: نوشین احمدی خراسانی، تهران - تیرماه 1389
 - 3- سنگسار؛ اسلام و دوران معاصر / جمیله کدیور (مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی بابل)
 - 4- منبع پیش گفته
 - 5- منبع پیش گفته
 - 6 - فریده ماشینی، سنگسار و رابطه نامشروع جنسی (زنا) از نگاه قرآن.
- تحقیق این خانم بسیار خواندنی است زیرا تلاش دارد با رجوع به آیاتی برای مجازات "زنا" نشان دهد که اسلام دین رافت و مهر است. او در لابرنت آیه هائی گرفتار می آید که یکی دیگری را در اعمال خشونت تکمیل می کنند اما با

این حال تصمیم گرفته است تفسیر و قرآنی نو از آن آیات بیافریند. فقط به این نمونه توجه کنید: آیه ۱۵ سورة نساء می‌فرماید: «و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می‌شوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد» (وی سپس به آیه ۲ از سورة نور رجوع می‌دهد: «زن و مرد زناکار را هریک صد ضربه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، مبدا که در حکم خدا نسبت به آن دو دستخوش ترحم شد.» (سورة نور، آیه ۲) سپس نتیجه‌گیری می‌کند که «خداوند بزرگ مردم را از جست‌وجو و تجسس در زندگی شخصی یکدیگر باز داشته است» البته باید تسلط زیادی به شعبده بازی داشت تا چنین حکمی را مثلاً از آیه ۱۵ سوره نسا بیرون کشید. بخصوص هنگامی که به حضور ۴ شاهد در هنگام "زنا" یعنی هنگام رابطه جنسی یک زن و مرد تأکید می‌کند.

7- سنگسار؛ اسلام و دوران معاصر / جمیله کدیور (مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی بابل)

8- همان منبع

9- همان منبع

10- اخیراً خانم نیره توحیدی در کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایرانی در پاریس در روزهای ۱۶ و ۱۷ جولای ۲۰۱۰ به عنوان سخنران ادعا کردند که چه بخواهیم و چه نخواهیم، خانم و آقای رهنورد رهبر جنبش مردم هستند.

11- سایت مدرسه فمینیستی - آزاده دواچی

12- در این خصوص به مقاله "انقلاب اکتر و مسأله زنان" امید بهرنگ از مجموعه مقالات امید بهرنگ "جنبش کمونیستی و مسأله زنان، تجربه‌ها و نقدها" رجوع کنید.